

شورای امنیت و آغاز مذاکرات هدفمند هسته‌ای با مشارکت آمریکا فراهم کنند.

مقام‌های رسمی جمهوری اسلامی هیچ سخنی در مورد برنامه‌ریزی برای دیدارهایی با سه کشور اروپایی یا آمریکا در مورد پرونده هسته‌ای در جریان این سفر نگفته‌اند. سخنگوی وزارت امور خارجه گفته‌است: «ما برنامه داریم که مانند سال‌های گذشته از فرصت اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل برای تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی استفاده کنیم.» سخنگوی دولت هم گفته‌است: «مهمترین موضوعی که در این سفر مطرح است، تاکید بر منافع ملی و رساندن صدای مردم ایران به دنیا به‌ویژه بعد از تجاوز وحشیانه رژیم اسرائیل به ایران است.» سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اوایل هفته جاری گفت که احتمال دارد بار دیگر با کایا کالاس، نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار کند، اما به گفته عراقچی این دیدار مشروط به این است که «اروپا تصمیم خود را بگیرد.» هر چند عراقچی توضیح بیشتری در خصوص «تصمیم اروپا» نداد، اما احتمالاً منظور او این است که در صورت انصراف اروپا از پیگیری مکانیسم اسنپ‌بک، ایران آمادگی دیدار با اروپایی‌ها را خواهد داشت.

از زمانی که سه کشور اروپایی تصمیم گرفتند با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد مکانیسم اسنپ‌بک را برای بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران فعال کنند، تماس‌های سطح بالای ایران با این سه کشور متوقف شده‌است. ایران تهدید کرده‌است که در صورت بازگشت قطعنامه‌های ۶گانه شورای امنیت، توافقنامه‌ای که سه‌شنبه هفته گذشته با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای از سرگیری قریب‌الوقوع بازرسی‌ها با آژانس امضا کرده‌است، ملغی خواهد کرد.

▼ مواضع خودساخته

تهران برای استفاده از فرصت نیویورک با هدف تعامل با قدرت‌های غربی در پرونده هسته‌ای، مجبور است برخی قید و بندهایی را که خودخواسته به پای دستگاه دیپلماسی بسته‌است، باز کند. این امر نیازمند اراده سیاسی محکم در تهران، برای استفاده از فرصت جاری است. شواهدی وجود ندارد که هیچ برنامه‌ای از قبل برای مذاکره با نمایندگان سه کشور اروپایی، چه در سطح سران و چه در سطح وزرای خارجه در حاشیه نشست سالانه

داشته‌باشد که تا این اندازه وقت و انرژی روی آن گذاشته‌شود؟ و آیا مذاکره غیر مستقیم به صورت ذاتی منافع و ارجحیتی نسبت به مذاکره مستقیم دارد؟

به نظر من ما همه شکل مذاکره را امتحان کرده‌ایم. نباید با خودمان تعارف داشته‌باشیم و شوخی کنیم. اینکه آقای عراقچی با تلغن و ای‌میل و پیام‌رسان با استیو ویتکاف، فرستاده ویژه آمریکا مستقیم حرف می‌زند، دیگر مفهوم مذاکره غیرمستقیم چیست؟ غیر از این است که صحبت کردن از طریق پیام‌رسان بین دو سیاستمدار می‌شود مذاکره مستقیم؟ معلوم نیست چرا می‌خواهیم با لغات بازی کنیم؟ شکل و فرمت کار آنقدرها هم نباید ما را گرفتار کند. اصراری وجود ندارد که اینگونه باشد یا آنگونه باشد، اگر در اصل موضوع طرف‌ها شروط و محدودیت‌هایی دارند، باید هوشمندانه و با تدبیر این محدودیت‌ها را برطرف کنند، به شکلی که منافع ما و طرف مقابل حفظ شود و یک بازی برد-برد از این مذاکرات بیرون بیاید. نمی‌دانم برای رسیدن به حداکثر منافع چه فرمت و شکل و ظاهری لازم است. در دوره مذاکرات برجام که این اتفاق افتاد و مذاکرات مستقیم شکل گرفت، محموداد ظریف و جان کری نه‌تنها پشت میز مذاکره نشستند، بلکه با هم در مقابل دوربین‌ها در خیابان قدم زدند و گفت‌وگو کردند. در آن دوران اروپایی‌ها حیران مانده‌بودند که چرا این اتفاق افتاد، اما در عین حال خوشحال بودند، چون می‌گفتند که اگر این دو کشور مشکل‌شان را با هم حل کنند، راحت‌تر می‌توان به تفاهم رسید. همین الان هم اروپایی‌ها روی همین موضوع تاکید دارند و به وضوح گفته‌اند که ایران برود و با آمریکا مشکل را حل کند و ما رضایت داریم از اینکه توافق میان ایران و آمریکا شکل بگیرد. حتی در این دورانی که اروپا و آمریکا با یکدیگر بر سر مسائلی مانند اوکراین و تعرفه‌ها مشکل دارند، اما باز هم به ایران توصیه می‌کنند که با آمریکا مذاکره و بده‌بستان کنند.

من اصلاً دلم نمی‌خواهد بگویم که ما الان، بر خلاف گذشته در شرایط اقتدار و قدرت قرار نداریم. به هر حال ما همچنان دارای قدرت و اهرم‌هایی هستیم. اما قاعدتاً نباید اجازه دهیم در موقعیت‌هایی ضعیف‌تر از این به فکر حل و فصل مسئله بیفتیم، چراکه اگر ما اهرم‌ها و قدرت بیشتری از دست بدهیم، آنگاه دیگر مذاکره شکل نمی‌گیرد، بلکه در ورطه تسلیم می‌افتیم. امروز ما همچنان اهرم‌هایی داریم که پشت میز مذاکره با اقتدار صحبت کنیم و طرف مقابل هم همچنان روی ما حساب کند. به همین دلیل الان موقعیتی است که باید وارد مذاکرات بشویم و نایستی در وضعیت بدتر مذاکره کنیم. وقتی اهرمی در اختیار نداشته‌باشیم دیگر مذاکره معنایی ندارد. نهایتاً اگر همه اهرم‌های‌مان را از دست بدهیم یا باید تسلیم شویم یا مثل غزه شاهد اضمحلال سرزمین و وطن‌مان

مجمع عمومی سازمان ملل متحد برنامه‌ریزی شده‌باشد. در مورد مذاکره با آمریکا هم مدت‌هاست که هر دو طرف به‌رغم «اعلام آمادگی» هیچ گام عملی برای گفت‌وگو بر نداشته‌اند. ایران در حال حاضر چند شرط برای ادامه مذاکرات قرار داده‌است، که ممکن است بتواند با صرف نظر کردن از آنها برای تأمین منافع ملی، زمینه مذاکرات را فراهم کند.

یکی از نخستین شروط ایران در مورد مذاکره با آمریکا، فرمت و شکل مذاکرات است. ایران همچنان بر مذاکرات غیرمستقیم با طرف آمریکایی تاکید می‌کند، درحالی‌که سه کشور اروپایی و آمریکا خواستار مذاکره مستقیم شده‌اند. وزارت خارجه آمریکا روز ۶ شهریور، همزمان با نامه سه کشور اروپایی به شورای امنیت برای فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک، تاکید کرد که «همچنان آماده تعامل مستقیم» با تهران است. سه کشور اروپایی نیز در نامه‌ای که ۸ اوت و قبل از فعال‌سازی مکانیسم اسنپ‌بک به رئیس دوره‌ای شورای امنیت نوشتند تاکید کردند: «مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا باید فوراً از سرگرفته شود. سه کشور اروپایی همچنان آمادگی دارند از این فرآیند حمایت کنند.» مقام‌های ایرانی استدلال مشخصی ذکر نکرده‌اند که چرا از لحاظ منافع ملی، غیرمستقیم بودن مذاکرات نسبت به مستقیم بودن آن ارجحیت و برتری دارد. شاید یکی از نخستین موانعی که ایران می‌تواند از مقابل پای خود برای پیشبرد دیپلماسی بردارد، اعلام آمادگی برای مذاکره مستقیم است.

دومین شرطی که ایران برای مذاکره با سه کشور اروپایی قرار داده‌است، صرف نظر کردن این سه کشور از مکانیسم اسنپ‌بک است. به نظر می‌رسد ایران و سه کشور اروپایی وارد یک «بازی کل‌کل Game of Chicken» شده‌اند. سه کشور اروپایی تهدید کرده‌اند که قطعنامه‌های ۶ گانه پیشین علیه ایران را مجدداً احیا می‌کنند که یک شکست بزرگ برای دیپلماسی ایران و بازگشت رسمی ایران تحت فصل هفت منشور ملل متحد به عنوان تهدید برای صلح و امنیت جهانی است و در برابر ایران تهدید کرده‌است که در صورت بازگشت قطعنامه‌ها اروپا را برای همیشه از مذاکرات هسته‌ای کنار خواهد گذاشت و تمامی همکاری‌های خود را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطع خواهد کرد، که تهدید ایران هم یک شکست بزرگ برای دیپلماسی اروپا و البته نظام عدم اشاعه هسته‌ای خواهد بود. هر دو طرف منتظر هستند تا قبل از وقوع رخداد خطرناکی که بر اثر اجرای این تهدید به وجود می‌آید، طرف مقابل کوتاه بیاید و

مسیر خود را تغییر دهد. اما ادامه این مسیر به این شکل به نفع هیچ‌یک از طرف‌ها نیست. به نظر می‌رسد که انتخاب منطقی‌تر این باشد که حتی اگر سه کشور اروپایی نسبت به عواقب استمرار روش غلط خود آگاه نیستند، ایران به عنوان یک بازیگر عقلانی، این بازی خطرناک را متوقف کند و انتخاب درست را انجام دهد. انتخاب غلط اروپایی‌ها نباید باعث پیروی ایران از آنها و دست زدن به انتخاب‌های غلط از سوی تهران شود.

سومین مانع در مقابل توفیق دیپلماسی هسته‌ای، همکاری‌های ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. تهران می‌داند که در نهایت به عنوان یکی از اعضای پیمان عدم اشاعه هسته‌ای (NPT) به لحاظ حقوقی موظف است که تعهدات خود را در چارچوب توافقنامه جامع پادمان اجرا کند و دیر یا زود بازرسی از تأسیسات هسته‌ای خود و اعلام مواد هسته‌ای موجودش را بپذیرد. تاخیر انداختن در اقدامی که نهایتاً ناگزیر انجام خواهد شد، در واقع نه‌تنه اهرمی برای فشار به طرف‌های غربی محسوب نمی‌شود، بلکه بهانه‌ای در اختیار آنها قرار می‌دهد تا ایران را بیش از پیش تحت فشار قرار دهند. توافقنامه‌ای که سه‌شنبه هفته گذشته میان وزیر امور خار جه جمهوری اسلامی ایران و مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره امضا شد، یک گام درست و موثر در مسیر احیای همکاری‌های ایران و آژانس بود، اما ضروری است که این توافقنامه عملی شود و برای طرف‌های خارجی، نه‌تنها قدرت‌های غربی، بلکه دوستان ایران در شرق، یعنی روسیه و چین و دیگر کشورهای همسو نیز روشن شود که ایران به هیچ عنوان قصد ندارد از تعهدات خود در چارچوب پیمان عدم اشاعه هسته‌ای سرپیچی کند.

اگر مقام‌های جمهوری اسلامی ایران بتوانند برخی موانع و پیچیدگی‌های خودخواسته را از مقابل مسیر دیپلماتیک حذف کنند، آنگاه فرصت حضور رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه در نیویورک می‌تواند به گامی بلند در مسیر رسیدن به یک توافق جامع جدید هسته‌ای، پایان دادن به تحریم‌ها و کاهش خطر منازعه منطقه‌ای تبدیل شود. تردیدی وجود ندارد که دشمنان ایران نه‌تنها منتظر فرصت‌های بیشتر برای اقدام‌های خصمانه علیه ایران هستند، بلکه حتی در صورت مذاکره و توافق نیز ممکن است از ابزارهای نظامی و خرابکاری علیه ایران استفاده کنند، اما رسیدن به یک توافق قابل قبول برای ایران و غرب، می‌تواند آثار و خطرات اقدام‌های خرابکارانه طرف‌های دیگر را به شکل چشمگیری کاهش دهد.

اسرائیل باعث شده‌است که کشورهای عربی به شدت نگران شوند و نوعی اتحاد علیه اسرائیل شکل گرفته‌است. ما مدت‌ها قبل از این می‌توانستیم به جای استفاده از بازیگران غیردولتی، تلاش کنیم تا همین وضعیت اتحاد ضداسرائیلی را از طریق بازیگران دولتی ایجاد کنیم. نه اینکه کل سیاست مقاومت در منطقه غلط باشد، بلکه مسئله این است که توازن به اندازه کافی رعایت نشد و جایی که لازم بود ما زودتر از بازی خارج شویم تا منافع‌مان بیشتر تأمین شود، دیر تصمیم گرفتیم یا ناگزیر شدید خارج شویم. ما باید با دقت و عقلانیت بیشتر به سیاست‌ها و راهبردهای‌مان فکر کنیم.

همین حالا هم وقتی مسئله ضرب‌الاجل مطرح می‌شود، قطعاً برای من هم به عنوان یک دیپلمات ناراحت‌کننده است. به لحاظ ذهنی و فلسفی قطعاً خیلی شرایط خوبی نیست که ما به ضرب‌الاجل تن بدهیم، اما در واقعیت میدان سیاست، دنیا دنیای حساب و کتاب است. دنیای ما دنیای عدالت نیست، دنیای این است که هر کشور چقدر توانمندی و اهرم در اختیار دارد یا ندارد. موشک، محور مقاومت، فروش نفت، اقتصاد قوی داخلی، دیپلماسی قوی و خیلی چیزهای دیگر می‌تواند همه اهرم‌ها و مؤفه‌های قدرت یک کشور باشند. ما خیلی از این اهرم‌ها را از دست داده‌ایم و متأسفانه دیپلماسی قوی و فعال را هم که یک مؤلفه و اهرم قدرت است، به کار نگرفته‌ایم. ما خودمان، با سیاست‌های غلط خودمان، فرصت‌ها را از دست داده‌ایم، حالا هم حرف‌های فیلسوفانه می‌زنیم.

«با توجه به اینکه با ضیق وقت مواجه هستیم، آیا فکر می‌کنید فرصت به اندازه کافی وجود داشته‌باشد که بتوان به شکلی در دیپلماسی و سیاست خارجی کشور تجدیدنظر انجام گیرد که فرصت‌ها از دست نرود و فرصت‌های از دست رفته گذشته، دوباره احیا شود؟

قطعاً این توانایی وجود دارد. اینجا باید از تجربه حضرت امام خمینی استفاده کرد که چگونه توانست در ۲۹ تیرماه ۱۹۶۷ آن اقدام را انجام دادند و ورق را برگردانند. در آن روزها ما به تدریج در حال واگذاری میدان جنگ به صدام حسین بودیم، اما پذیرش شجاعانه و جسارت‌آمیز آتش‌بس، ورق را برگرداند و این صدام بود که در طول زمان نابود شد، اما ایران و جمهوری اسلامی ایران پابرجا باقی ماند. قطعاً چنین مسیری شدنی است.

ما اصلاً نباید در عقل و هوشمندی خودمان تردید کنیم. گاهی من احساس می‌کنم که ما نگران هوشمندی خودمان هستیم. چرا اینگونه فکر می‌کنند؟ ما هوشمندیم، ملت هوشمند هستیم. باید به هر ترتیبی در خطوطمان تغییراتی ایجاد کنیم. تاکتیک‌های‌مان را متحول کنیم تا به سلامت از این برهه نجات پیدا کنیم و به جلو برویم و فرصت‌های بعدی را بهتر استفاده کنیم.

دیپلمات‌ها



میانجی‌گری کشورها برای مذاکرات ایران و آمریکا

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در حاشیه اجلاس سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، در پاسخ به سوآلی درباره نقش قطر به‌عنوان میانجی در مذاکرات احتمالی با آمریکا گفت: «کشورهای متعددی در منطقه تلاش می‌کنند نقش مثبتی ایفا کنند، اما موضوع اصلی، اراده طرف مقابل برای توافقی مبتنی بر منافع متقابل و بدون تهدید و ارعاب است. اگر آن‌ها به این نقطه برسند، سایر مسائل حل خواهد شد.» وزیر خارجه ایران در پاسخ به سوال خبرنگار ایسنا درباره سفر «مسعودپزشکیان» رئیس‌جمهوری اسلامی ایران به نیویورک گفت: «ما در سازمان ملل همواره حضور بسیار قوی‌ای داشتیم. در درجه اول، به خاطر استفاده از این تربیون بین‌المللی برای رساندن صدای مردم ایران به جامعه جهانی و دفاع از حقوق مردم ایران و تشریح مواضع جمهوری اسلامی ایران در خصوص منطقه‌ودر خصوص نظام‌بین‌الملل است.»



فشار برای رای منفی در آژانس

رضا نجفی، سفیر و نماینده دائم ایران نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین درباره قطعنامه‌تصوین‌شده از سوی ایران به منظور ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای کشورها و مخالفت آمریکا با این قطعنامه گفت: «حمله به تأسیسات هسته‌ای به‌ویژه آنکه اگر این تأسیسات دارای مواد هسته‌ای باشند، آثار مخرب زیست‌محیطی و پیامدهای جدی بر سلامت مردم خواهد داشت و عقل سلیم ایجاب می‌کند که کشورها از این قطعنامه حمایت کنند.» به گزارش ایرنا، سفیر ایران در وین گفت: «اقدام شماره ۶۴ کنفرانس بازنگری ۲۰۱۰ ان‌بی‌تی که یک سند اجماعی است، به قطعنامه‌ای اشاره دارد که در کنفرانس عمومی آژانس تصویب شده و موضوع آن ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت پارلمان است. به همین دلیل، متن و موضوع قطعنامه، اصولی بوده و اکثریت کشورها با آن موافق هستند. متأسفانه به دلایل سیاسی و فشارهای موجود، برخی از سفرا که با آنان گفت‌وگو داشتیم، اظهار می‌کردند که با وجود توصیه خودشان به پایتخت‌هایشان برای حمایت و حتی پیوستن به جمع حامیان، تاکنون علاوه بر ایران پنج کشور دیگر از این قطعنامه حمایت کرده‌اند. ما درخواست داشتیم که کشورهای بیشتری همراه شوند، اما به دلیل همان فشارهای سیاسی، برخی کشورها از پیوستن خودداری کرده‌اند.» به گفته نجفی روز پنج‌شنبه‌در مورد این قطعنامه‌رای‌گیری خواهدشد.



اقدام ضدایرانی اکوادور

دنیل نابو، رئیس‌جمهور اکوادور در اقدامی خصمانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جنبش حماس و جنبش حزب‌الله لبنان را سازمان‌هایی به اصطلاح تروریستی اعلام کرد. روزنامه لا پریمیسیاس اکوادور گزارش داد: اکوادور سه سازمان اسلامی را به دلیل خطری که برای حاکمیت و امنیت ملی دارد، تروریستی اعلام کرد. این اقدام طی فرمان اجرایی دنیل نابو، روز دوشنبه ۱۵ سپتامبر انجام شد و مشابه اقدامات انجام‌شده علیه سازمان‌هایی در کشورهای دیگر است. در این فرمان اجرایی ادعا‌شده است، سازمان‌های حماس، حزب‌الله و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تهدیدی برای کشور، نظم برقرار شده و حاکمیت و تمامیت دولت هستند. نویادر این فرمان به مرکز ملی اطلاعات اکوادور دستور داد که تاثیر این سازمان‌ها را بر گروه‌های مسلح سازمان‌یافته در این کشور تحلیل و بر آن اساس دسته‌بندی کنند.